





دانشگاه کردستان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:  
بررسی متناقض‌نما در آثار خواجه‌ی کرمانی

پژوهشگر:  
مهین اکملی

استاد راهنما:  
دکتر تیمور مالمیر

استاد مشاور:  
دکتر طیبه فدوی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش

دی ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

## \*\*\* تعهد نامه \*\*\*

اینجانب مهین اکملی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

مهین اکملی

۱۳۹۰/۱۰/۳



دانشگاه کردستان  
دانشکده ادبیات  
گروه زبان و ادب فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

(

عنوان:

بررسی متناقض‌نما در آثار خواجه‌ی کرمانی

پژوهشگر:

مهین اکملی

در تاریخ ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۰ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره و درجه به تصویب رسید.

امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیات داوران
	دانشیار	دکتر تیمور مال میر	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر طیبه فدوی	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر صالح ایبی	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر نجم الدین جباری	۴- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده

مهر و امضاء گروه

رسم است تقدیم کنند هر چند اندک باشد، همه این اندک را تقدیم می‌کنم به آنان که محبت را می‌شناسند و ارزشانی می‌دارند

الکوسی مهربانی و خلاصه تمام بهانه‌های زندگیم برادرم

و تقدیم به همسر مهربان و دلسوزم که زیباترین واژه‌ی زندگی یعنی عشق را به من آموخت و مهربانی‌هایش حامی لحظه‌هایم بود.

## تقدیر نامه

از استاد فاضل و بزرگوارم جناب دکتر تیمور المیر که همیشه با روی باز و سعی صدر بجا بلکوی سوال های من بودند و معلوماتشون رو در اختیار من قرار دادند نهایت تشکر و سپاس را دارم و اگر این پایان نامه حسی داشته باشد مرهون زحمت ایشان است.

از استاد بزرگوارم دکتر طیفه فدوی که مشاوره ی این پایان نامه را قبول کردند نهایت سپاس را دارم.

همچنین نهایت تشکر را نسبت به تمامی اساتید گروه که افتخار ساگردیشان را داشتند و در این مقطع از محضرشان کسب علم کردم، ابراز می دارم.

و در پایان باید تقدیر و تشکر کنم از تمامی دوستان و همکلاسی هایم که در این دو سال مرا همراهی کردند و تمامی اعضای خانواده ام به خصوص خانم پروین رشیدی که در این دو سال پذیرای من بودند

## چکیده

متناقض‌نما کلامی است که به دلیل عدول از هنجار متعارف زبان، متناقض و گاهی مهمل به نظر می‌آید. این عادت شکنی موجب اعجاب و شگفتی مخاطب می‌شود، ذهنش را لحظه‌ای با مقوله‌ای خلاف عادت و انتظار درگیر می‌کند و در نهایت مخاطب متوجه می‌شود که کلام متناقض در عین متناقض بودن متناقض نیست. اگر تناقض در منطق عیب است در هنر در اوج تعالی است بنابراین با توجه به تعریف آن در منطق و ادب فارسی در این تحقیق به بررسی تناقض در شش اثر خواجه پرداخته شده است. ابتدا توصیف ساختار زبانی آن در ۹ ساختار بررسی شده است که عبارتند از: ۱) ساختار ترکیبات متناقض‌نما ۲) ساختار نسبت نقیضین به یک موضوع ۳) ساختار تناسب نقیضین در جمله‌های مرکب ۴) ساختار سلب نقیضین از موضوع ۵) ساختار علی و معلولی نقیضین ۶) ساختار عینیت نقیضین ۷) ساختار منادای متناقض ۸) ساختار عرفی تشریحی متناقض ۹) ساختار قسم متناقض. پس از آن به تحلیل متناقض‌نما در سه مرحله‌ی معنایی، کلامی و عرفانی و تحلیل نمود متناقض‌نما در صنایع ادبی پرداخته شده است. همچنین میزان تأثیر اندیشه‌های کلامی در ساخت متناقض‌نما نیز بررسی شده است. تحلیل معنایی متناقض‌نما تحلیل تناقض‌های عرفی تشریحی است که زبان خواجه در این قسمت به شطحیات صوفیانه نزدیک می‌شود. در تحلیل کلامی و عرفانی، ترکیبات متناقض کلامی و عرفانی «ظاهر باطن» «اول آخر»، «رحیم قهار»، «بقا بعد از فنا»، «ساکن متحرک» و «مکان بی مکانی» بررسی شده است.

واژگان کلیدی: متناقض‌نما، انواع ساختار زبانی متناقض، کلام، خواجه کرمانی



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶-۱	فصل اول کلیات .....
۲	۱-۱ مقدمه .....
۴	۲-۱ فرضیه‌های پژوهش .....
۴	۳-۱ جامعه‌ی آماری .....
۵	۴-۱ پیشینه پژوهش .....
۶	۵-۱ روش کار .....
۶	۶-۱ اهداف پژوهش .....
۷۵-۸	فصل دوم توصیف ساختار زبانی متناقض نما .....
۸	۱-۲ توصیف ساختار زبانی متناقض نما .....
۸	۱-۱-۲ ساختار ترکیب نقیضین .....
۸	۱-۱-۱-۲ ترکیب اضافه با نقیضین با «کسره» .....
۱۶	۲-۱-۱-۲ ترکیب متناقض نما با «بی» .....
۲۱	۳-۱-۱-۲ ترکیب متناقض نما با «در» .....
۲۴	۲-۱-۲ ساختار نسبت نقیضین به یک موضوع .....
۳۰	۳-۱-۲ ساختار تناسب نقیضین در جمله‌های مرکب .....

۳۰	..... ساختار ربطی ۱-۳-۱-۲
۳۷	..... ساختار شرطی ۲-۳-۱-۲
40	..... ساختار سلب نقیضین از موضوع ۴-۱-۲
40	..... ساختار سلبی با یک یا دو قید نفی «نه» ۱-۴-۱-۲
۴۲	..... ساختار سلبی با فعل ندارد ۲-۴-۱-۲
۴۳	..... ساختار علی و معلولی نقیضین ۵-۱-۲
۴۸	..... ساختار عینیت نقیضین ۶-۱-۲
48	..... عین «مذکور» ۱-۶-۱-۲
۵۰	..... عین «مقدر» ۲-۶-۱-۲
57	..... ساختار منادای متناقض ۷-۱-۲
۵۸	..... ساختار عرفی تشریحی متناقض ۸-۱-۲
۶۰	..... ساختار قسم متناقض ۹-۱-۲
۶۱	..... تحلیل متناقض‌نما ۲-۲
۶۱	..... تحلیل معنایی ۱-۲-۲
62	..... تحلیل کلامی و عرفانی ۲-۲-۲
۶۹	..... تحلیل نمود متناقض‌نما در صنایع ادبی ۳-۲-۲
-۷۶	..... فصل سوم نتیجه‌گیری

۷۸

۷۶ ..... ۱-۳ نتیجه گیری

۷۸ ..... منابع

فصل اوّل

کلیات

## فصل اوّل

### کلیات

#### ۱-۱ - مقدمه

ابوالعطا کمال‌الدین محمود بن علی بن محمود متخلص به خواجه از شعرای قرن هشتم (۶۸۹-۷۵۳) هجری قمری است. آثار خواجه متعدد و فراوان است. آثار منظوم او عبارتند از: دیوان، سام‌نامه، همای‌وهمایون، گل‌ونوروز، روضه‌الانوار، کمال‌نامه و گوهرنامه. آثار مثنوی عبارتند از: مفاتیح‌القلوب، رساله‌البادیه، رساله سبع‌المثنی و رساله‌ی مناظره شمس و سحاب<sup>۱</sup> (صفا؛ ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران).

با مطالعه‌ی آثار خواجه کرمانی ترکیباتی مشاهده می‌شود که هنجار متعارف زبان در آن رعایت نشده و همچنین اجتماع این ترکیبات در منطقی محال است ولی در نهایت متوجه می‌شویم این ترکیبات در عین نقیض بودن نقیض نیستند. بنابراین ما با توجه به تعریف تناقض در منطق و ادب فارسی به بررسی آن در آثار خواجه پرداخته‌ایم. متناقض-نما کلامی است که به دلیل عدول از هنجار متعارف زبان، متناقض و گاهی مهمل به نظر می‌آید. این عادت شکنی موجب اعجاب و شگفتی مخاطب می‌گردد و مخاطب متوجه می‌شود که کلام متناقض در عین متناقض بودن، متناقض نیست. اگر تناقض در منطق عیب است در هنر در اوج تعالی است. متناقض نما در ادب فارسی معادل

---

<sup>۱</sup> محمود عابدی در مقدمه‌ی خود بر روضه‌الانوار از رساله‌ی دیگری به نام سراجیه که در بیان اوصاف چراغ است، نام می‌برد. (ر.

ک. روضه‌الانوار به تصحیح محمود عابدی، ۱۳۸۷، مقدمه)

پارادکس (paradox) در ادب غربی است. که از دو جزء Para به معنی ضد و خلاف و dox یا doxa به معنی عقیده و نظر است. متناقض نما تعبیراتی است که به لحاظ منطقی، تناقضی در ترکیب آن‌ها نهفته است و در آثار ادبی و هنری هنجار متعارف زبان رعایت نشده است و دو چیز که همدیگر را نقض می‌کنند در کنار هم آمده‌اند و با هم جمع گشته‌اند و بدون آنکه یکدیگر را نقض کنند، متناقض به نظر می‌رسند اما خوب که دقت می‌کنیم، می‌بینیم تناقض آن‌ها ظاهری است و نوعی هنجار گریزی معنایی است (وحیدیان کامیار، ۲۷۲ : ۱۳۷۴).

به عنوان مثال بیت زیر با نگاه اول متناقض به نظر می‌رسد:

سلطان بنده پرور و قهار سخت‌گیر  
دیوان عدل‌گستر و ستار بردبار

(دیوان/۴/۱۷۶)

که با کشف پرده تناقض، در این بیت دو صفت «رحمانیت و قهاریت» برای ذات خداوند آشکار می‌گردد. معادل‌های دیگری که برای این اصطلاح در ادب فارسی به کار رفته؛ باطل نما، خلاف آمد، متناقض، تناقض و... است. اما تناقض در منطق، مفهومی عدمی است که عبارتست از: «اختلاف بین دو قضیه به نحوی که از صدق یکی کذب دیگری لازم آید یعنی از دو قضیه متناقض حتما یکی صادق است و دیگری کاذب و صدق یا کذب هر دو محال است (محمد خوانساری، ۱۳۵۲: ۱۹-۱۱۸). مانند:

حمید کشاورز است. حمید کشاورز نیست.

در منطق تناقض بین دو قضیه منظور است نه بین مفردات، دو قضیه متناقض باید در هشت چیز وحدت داشته باشند، ۱-۲-وحدت موضوع و محمول، مانند: فردوسی شاعر رزمی است-فردوسی شاعر رزمی نیست، ۳-وحدت مکان، مانند: ابر در آسمان است-ابر در آسمان نیست، ۴-وحدت شرط، باید دو قضیه اگر مشروط باشند مشروطیتشان یکی باشد مثل: باران اگر ببارد زمین حاصلخیز است-باران اگر ببارد زمین حاصلخیز نیست، ۵-وحدت اضافه، مضاف \_ الیه موضوع یا محمول باید یکی باشد مثل چهار نصف هشت است - چهار نصف هشت نیست، ۶- قوه و فعل، دو قضیه باید در قوه و فعل متحد باشند مثل تخم مرغ بالقوه جوجه است - تخم مرغ بالقوه جوجه نیست، ۷-زمان، محمد صبح به مدرسه می‌رود - محمد صبح به مدرسه نمی‌رود، ۸-کل و جزء، همه جنگل سبز است - همه جنگل سبز نیست. نه تنها در منطق بلکه در علوم که بر اساس منطق شکل گرفته‌اند تناقض در قضایا پذیرفتنی نیست مثلا در ریاضیات یکی از قالب‌های مستعمل «قالب همیشه برقرار» است (قالب‌های قانونی منطق) که جمیع نمونه‌های آن پذیرفته و درست است مثلا:

X، Y است، Y، Z است بنابراین X، Z است.

یکی از شواهد این قالب می‌باشد و همیشه درست است. در مقابل قالب دومی هست که «قالب تناقض منطقی» نام دارد و هر نمونه از آن منطقا دروغ است مثلا:  
X غیر از خودش است.

قضیه‌ای متناقض و غیر قابل قبول است (غلامحسین مصاحب، ۱۱۷: ۱۳۶۶).

### ۲-۱- فرضیه‌های پژوهش

۱. خواجه از متناقض‌نما برای تبیین اندیشه‌های کلامی استفاده کرده است.
۲. تنگنای زبان موجب وفور متناقض‌نما در آثار خواجه است.
۳. خواجه برای نظام بخشیدن به ناآرامی‌ها و تشتت‌های درونی‌اش از متناقض‌نما استفاده کرده است.

### ۳-۱- جامعه آماری

در این پژوهش آثار منظوم خواجهی کرمانی مورد بررسی قرار گرفته است، که بدین قرار است:

- دیوان؛ ۱۳۶۹، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، پاژنگ، تهران، چاپ سوم.
  - روضة الانوار؛ ۱۳۸۷، به تصحیح محمود عابدی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران.
  - کمال‌نامه (خمسه)؛ ۱۳۷۰، به تصحیح سعید نیاز کرمانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان.
  - گل و نورو؛ ۱۳۷۰، به تصحیح کمال عینی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
  - گوهر نامه (خمسه)؛ ۱۳۷۰، به تصحیح سعید نیاز کرمانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان.
  - همای و همایون؛ ۱۳۵۶، به تصحیح کمال عینی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- البته سام‌نامه که جزو آثار منظوم است به دلیل عدم دسترسی بررسی نشده است.

## ۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

بحث متناقض سابقه و تاریخی بسیار طولانی یعنی همزمان با خلقت جهان و انسان دارد چراکه در واقع جهان و انسان براساس نیروهای متضاد خلق شده‌اند بنابراین حضور تناقض را در ادب فارسی می‌توان در اولین آثار به جای مانده جستجو کرد با این تفاوت که در برخی از آن‌ها بیشتر و در برخی دیگر کمتر مشاهده می‌شود.

تصاویر پارادوکسی به معنی دقیق کلمه با سنائی و شعرهای مغانه‌ی او آغاز می‌شود؛ سپس مولانا نیز همین تصاویر را گسترش داده است و حافظ از این تصاویر استفاده کرده است؛ ولی سرچشمه‌ی تصاویر پارادوکسی، خلاقیت عارفان ایرانی است و در صدر آنان، ابویزید بسطامی که فرمود: روشن‌تر از خاموشی چراغی ندیده‌ام (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۶-۵۷). در دنیای غرب، متناقض‌نما، از دیرباز شناخته‌شده است، حتی در زمان افلاطون هم متناقض‌نما ترفندی شناخته شده است. با این همه در قرن بیستم بود که به اهمیت واقعی آن پی‌بردند. گرچه در ادب فارسی از دیرباز متناقض‌نما به کار رفته است اما به عنوان ترفندی شاعرانه در کتب صناعات شعری نیامده و آشنایی ما با آن از طریق ادب غرب صورت گرفته است و اولین کسی که به این ترفند اشاره کرده، شفیعی کدکنی است که در کتاب موسیقی شعر از آن به نام تصویر پارادوکسی یاد می‌کند. بعد از ایشان، محمد راستگو مقاله کوتاهی به نام «خلاف آمد» درباره‌ی متناقض‌نما نوشت. سومین کسی که درباره‌ی متناقض‌نما سخن رانده عبدالکریم سروش است، در مقاله «تعمیم صنعت طباق با استفاده از عکس و نقض و عدم تقارن در شعر سعدی» (وحیدیان کامیار، ۲۷۵: ۱۳۷۴). همچنین حسین وثوقی مقاله‌ای تحت عنوان ویژگی‌های عبارات‌های متناقض‌نما (پارادوکسی) و توصیف آن‌ها در غزلیات عطار نوشت (وثوقی، ۳۳: ۱۳۷۴).



## ۱-۵- روش تحقیق

با روش تحقیق بررسی محتوا، متناقض‌نما در فصل اول تعریف شده و سپس در فصل دوم براساس توصیف ساختار زبانی در نه قالب طبقه بندی شده است و هریک از این قالب‌ها به‌طور جداگانه مورد بحث قرار گرفته است که در این قسمت ۵۰۱ متناقض بررسی شده است سپس به تحلیل این متناقض‌ها در سه مرحله‌ی تحلیل معنایی، تحلیل کلامی و عرفانی و تحلیل نمود متناقض‌نما در صنایع ادبی پرداخته شده است که متضمن بررسی متناقض‌نما از لحاظ دستورزبان و تفکر نیز می‌باشد در این قسمت میزان رندی گویی‌های خواجه در قالب تناقض نیز بررسی شده است. در فصل سوم به نتیجه‌گیری از این مطالب پرداخته شده است.

## ۱-۶- اهداف پژوهش

هدف از این بررسی علاوه بر تحلیل وریشه‌یابی متناقض‌نما، تعیین میزان تأثیرگذاری زبان و تفکر و کلام و عرفان در ساخت متناقض‌نما بوده است.

## فصل دوم

توصیف ساختار زبانی متناقض نما

## فصل دوم

### توصیف ساختار زبانی متناقض‌نما

#### ۲-۱- توصیف ساختار زبانی متناقض‌نما

ساختار زبانی متناقض‌نما براساس منطق و دستور زبان در ۹ قالب زیر طبقه‌بندی شده که نشان‌دهنده‌ی ساختارزبانی محکم و منسجم در خواجو است.

#### ۲-۱-۱- ساختار ترکیب نقیضین

ساختار ترکیب نقیضین بر پایه‌ی اجتماع دو واژه متضاد است و در قالب سه زیر ساخت، در کلام خواجو بیان

شده‌است:

#### ۲-۱-۱-۱- ترکیب اضافه با نقیضین با «کسره»

متناقض‌نما در این زیر ساخت از لحاظ دستوری دارای ساخت ترکیب اضافی با کسره است. و در قالب صفت و موصوف و گاهی به شکل مضاف و مضاف‌الیه مشهود است. این ترکیبات، به دو صورت متناقض‌نما ساخته‌اند، در اکثر این ترکیبات در جایگاه مضاف و مضاف‌الیه دو واژه متضاد قرار گرفته، و با اجتماع خود، ترکیبی متناقض ساخته‌اند؛ مثلاً در بیت زیر:

نگر که آزادگان گر ده زبانند

چو سوسن جمله گویای خموشند

(دیوان/۴/۲۴۰)

ترکیب «گویای خموش» که از اضافه شدن واژه «خموش» به «گویا» ساخته شده است، متناقض می باشد.

ترکیب اضافی = موصوف یا مضاف + کسره + صفت یا مضاف الیه

شواهد این زیر ساخت ۸۰ متناقض می باشد که در جدول زیر آمده آمده است:

ردیف	ساخت ترکیب اضافی متناقض	ترکیب اضافی
		ترکیب اضافی = موصوف یا مضاف + کسره + صفت یا مضاف الیه
۱	آتش تر دمبدم در آب خشک افکن که نیست جز لب و چشم عدویت خشک و تر در خشک و تر	آتش تر آب خشک (دیوان/۱۶/۶۱)
۲	آیدم آن سالک تارک به یاد کز طرف شام به کرمان فتاد	سالک تارک (روضه الانوار/۱۷۱۴)
۳	از آن دو چشم توانای ناتوان عجبست که خون خسته دلانش غذای بیمار است	توانای ناتوان (دیوان/۷/۱۹۶۷)
۴	از شب خورشیدزا چون صبح صادق در طلوع بر سپهر شب نما چون نجم ثاقب در مسیر	شب خورشیدزا (دیوان/۱۰/۴۱)
۵	ای خوشا عاقلان لایعقل حبذا بیدلان صاحبدل	عاقلان لایعقل بیدلان صاحبدل (کمال نامه/۱۲۵۰)
۶	ای مه آتش عذار آن آب خشک کابگیر آتش تر کرده ای	آب خشک آتش تر (دیوان/۳/۳۲۹)
۷	بت خویش دیدم چو روح مجسم فروهشته زلف و درافکنده برقع	روح مجسم (دیوان/۷/۶۶۷)
۸	بتی که طره او مجمع پریشانیست لب شکرشکنش گوهر بدخشانیست	مجمع پریشانی (دیوان/۴۲۴۰)